



رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی

کارشناس تعلیم و تربیت

toloos@hotmail.com

من شایسته یک زندگی بهتر هستم!

کودک ناتوان، کودک توانا

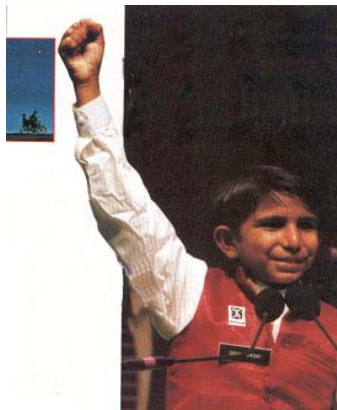
قسمت سوم:

در مثالی که در پایان قسمت دوم داشتیم، بخوبی مشاهده کردیم که کودکان خردسال حتی توانایی لباس پوشیدن به دوست کوچکتر خود را نیز دارند. اشاره کردم که این بستگی دارد که مربی این کودکان با آنها چگونه برخوردی کرده است. خود ایشان اینگونه توضیح می دادند: ما هدفمان این است که محیط را برای رشد مستقل توانایی های کودک، آماده کنیم. اگر من چند بار در هنگام لباس پوشیدن این سؤال را مطرح کنم که، من لنگه کفش کارین را پیدا نمی کنم، حالا چه کار کنیم؟ یا می خواهیم بریم بیرون، کی می تونه به من کمک کنه؟ کودکان ما با همین سؤالها، متوجه می شوند که آنها هم، به حساب می آیند و سعی می کنند که تواناییهای خود را به آزمایش بگذارند. موفق شوند و به این ترتیب، تأیید بگیرند که این توانایی را دارند و خود را برای حرکت های بعدی، انجام کارهای پیچیده تر، آماده کنند. بخش مهم این موضوع این است که ما چه محیطی برای کودکان، آماده می کنیم. و ما چه برخوردی در شرایط متفاوت زندگی با کودکان داریم؟ چه درکی داریم؟ آیا کودک را صحفه سفیدی می دانیم که ما مؤظف هستیم، کل داستان زندگی کودکان را روی آن بنویسیم؟ یکی از متخصصین آموزش کودکان می گوید، می توانید تصور کنید که کودکان، یک نهال کاج هستند، کافی است که در محیط مناسب خود، با آب و آفتاب کافی باشند، بقیه کار رشد و بزرگ شدنش را خودشان انجام می دهند و به دخالت بیش از حد ما نیازی ندارند. ادامه دارد



“من شایسته یک زندگی بهتر هستم”، این شعاری بود که به گردن معصومه کودک دوازده ساله پناهجو، در بزرگترین تظاهرات سالهای اخیر برای حق پناهنده گی آویزان بود. معصومه کودک
ادامه در صفحه 3

ده سال از قتل ناجوانمردانه اقبال مسیح گذشت!



در آوریل 1995 قلب انسانی و شریف کودکی که پرچم رهایی کارگران کوچک را از برده گی، بلند کرده بود، مورد هدف گلوله مزدوران خودفرخته سرمایه دارن قرار گرفت. او می گفت این من نیستم که از آنها(سرمایه داران) وحشت دارم، بلکه این آنانند که از من و فعالیت های من به وحشت افتاده اند. او یک رهبر بود، یکی از
ادامه در صفحه 6

در صفحات دیگر نشریه میخوانید:
نگاهی به ادبیات کودک در ایران- خانه من کجاست؟
بهداشت و رفاه برای کودکان در سوند، رونمایی
شیرین و واقعی شدنی؟

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

خانه من کجاست؟



مهر نوش معظمی

قسمت یازدهم

فقط یک لحظه گذشت و شاهین مادرش را هراسان دید که به سوی او می دوید و پدر و مادرش را و بقیه فامیل را... شاهین کجارتی؟ ببین همه را پریشان کردی! چه به سر تو آمده پسرم... مادرت بمیره! چرا اینقدر آشفته ای؟ عمو جان بچه ها حرف بدی نزدند... بو در زبان سویدی به معنی زندگی گردن در یک محل خاصه... تو خودت سویدی یاد خواهی گرفت و به این روزها می خندی

دبیر
کودکان مقدمند
هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر
هفته نامه
کودکان مقدمند
فرزاد ادیبی

00460704917494

Kodakan_moqadamand@hotmail.com

toloos@hotmail.com

مسئولین مرکز
بخش:
شهلا خباززاده
سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

shahlaxabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

تهران در خودش فرو رفت... یکباره خرد شد و همه شادی و شینطننت را کنار گذاشت.

خوب معلومه... حرفها را شنید و ترسید

نه نشنید. دید که باید خانه و زندگیش را به خاطر تو کنار بگذاره و دوستانش و همه و همه چیز را...

مریم حواست هست که چی میگویی؟ بخاطر من.. من کی هستم؟ من تو هستم و بچه ها و همه.. شما هم من هستید؟ از چه وقت اینهمه تو عوض شدی؟ من و تو... این حرفهای مادرت هست، نه تو! من با موافقت تو تصمیم گرفتم و چاره دیگری هم

نداشتیم ولی مادر تو این موضوع را نتوانست درک کند و مادر با تعجب قدمی بعقب برداشت و در حالیکه می کوشید با لحنی آرام صحبت کند، گفت: شاهین مادرم؟ مادرم! مادرم که ترا از پسر خودت بیشتر دوست داشت و زندگی و وقتش

را برای من و تو بچه ها گذاشت و از بابت دور شدن از ما حنی یک کلمه حرف نزد. مادرم، مادرم شاهپور جواب بده؟ نمیدانم، نمی دانم مریم! فقط چیزی هست که دلم گرفت و غصه دار شد که گفستی بخاطر من... میتونی چنین فکر پوچ و بیمعنی را در نظرت مجسم کنی که من

از هدف و آینده تو جدا هستم و از رویاهای تو! الان وقت این حرفها نیست. ما باید شاهین را به بیمارستان برسانیم. شوکه شده، شاید می ترسد که حرف بزند.. شاید.

ولی مریم خانم باید صبر کنیم تا فردا و شاید چند روز دیگر..

مادر کلام عمو را برید! چرا چرا تا فردا. امکان نداره؛ او می لرزد. رنگش پریده؛ اصلا لب به غذا نزده. بزخمت نفس می کشد. او حرف نمی زند. لال شده لال!

زن عمو شانه های مادر را گرفت و در کنار مادر که شاهین را در آغوش داشت؛ نشست!

مریم جون. مضطرب نباش؛ شما اقامت ندارید و دکتر رفتن بدون داشتن اقامت یعنی حراج گذاشتن همه زندگیتان... پس ما که اقامت نداریم؛ در میان آدمها انسان محسوب نمی شویم؟ باید جان بکنیم و ناله کنیم و حتما باید گرسنگی بکشیم. بجرم آمدن به اینجا محکوم به مردن شویم؟ پس فرق اینهمه از آزادی گفتن چیه؟ یعنی باید اقرار کنیم که اشتباه کردیم و خانه و زندگی و زبانمان را رها کردیم و به این دولت پناه آوردیم! مریم خانم درسته سختی زیاد خواهد بود در سر راه شما ولی همه چیز درست میشه! دوشنبه کارهای پلیس را.

معرفی خودتان را انجام می دهید و دکتر و دارو هم تا اندازه ای در اختیار شما قرار می دهند!

تا اندازه ای؛ آه شاهین؛ شاهین ما با تو چه کار کردیم!

مریم بسه، بسه! اما ساعات دشوارتری را با هم گذارنده ایم؛ مهاجرت مژده خوبی در زندگی ما نبود و نه یک شادمانی.

ولی برای فرار از آن سرزمین باید ما تحمل سختیها را بکنیم و با جدیت از ته دل بخواهیم که با هر بهانه ای برای خودمان شادمانی فراهم کنیم... برای استقامت و رسیدن به هدفمان و گرفتن آن آرامش قدیمی.

ما به همدیگر احتیاج داریم و تحمل مشکلات و پدر در موقع گفتن این سخنان مراقب سیمای مادر بود و اطمینان داشت که او حالا نرم خواهد شد و با تبسمی به او نگاه می کند. ولی مادر همان حالت خشم آلود در صورتش باقی بود و به پدر نگاه نکرد. شاهین در همان لحظات ناراحت کننده به مادرش خیره شد. این اولین بار بود که میدید، پدر و مادرش به یکدیگر خشمگین بودند. و شاهین غمگین تر شد و تمام مسئولیت این مشاجره را تقصیر خود دانست. از نگاه مادرش یک برق می جهید در آن آسمانی که در شب هم رنگ تیرگی

ادامه در صفحه 4

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه



نابینای پناهجو که با پدرش در این تظاهرات با شکوه شرکت کرده بود، تنها یکی از هزاران کودکی است که از یکسو



قربانی سیاستهای ضد بشری و ضد کودک جمهوری اسلامی و از سوی دیگر قربانی سیاستهای ضد پناهنده گی دولت سوئد، شده اند. ناگفته نماند که بر طبق اطلاعاتی فدراسیون، نماینده گانی از سوی تظاهرات کننده گان، با نماینده گان پارلمان سوئد دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار، نماینده گان این اعتراض انسانی بزرگ، ضمن تشریح وضعیت نابسامان و غیر انسانی

این تظاهرات در روز پنجشنبه 21 آوریل در میدان مرکزی شهر استکهلم شروع و بعد از یک راهپیمایی پر سر و صدا و رنگارنگ، با اجتماع در مقابل مجلس نماینده گان سوئد، با سخنرانی، موزیک و شعارهای دسته جمعی علیه سیاستهای ضد بشری دولتهای ضد پناهنده، به پایان رسید. در این تظاهرات که توسط فدراسیون سراسری پناهنده گان ایرانی- واحد سوئد و اتحادیه پناهجویان افغانی فراخوان داده شده بود، هزاران تن پناهجو که از کشورهای دیکتاتورزده و فقر زده خاورمیانه و آمریکا و لاتین با روئییای یک زندگی بهتر و آزادتر به کشور سوئد، پناه آورده اند، شرکت کرده بودند. شرکت کرده بودند، در حالیکه بادیادکهای رنگی در دست داشتند و صورتهای خود را با رنگهای شاد نقاشی کرده بودند، جلوه خاصی به این تظاهرات داده بود. روی بسیاری از بادیادکهای شعارهای علیه سیاست ضد پناهنده گی دولت سوئد و همچنین شعارهای در رابطه با خواست انسانی کودکان برای یک زندگی بهتر، نوشته شده بود. در پایان این اجتماع قطعنامه ای انتشار داده شد که در بخش خواسته های فوری آن آمده است:

- 1- به رسمیت شناختن کشورهایی چون ایران، افغانستان و عراق به عنوان کشورهای ناامن و ناقض حقوق بشر.
- 2- لغو فوری اخراجها به کشورهای نامبرده.
- 3- برسمیت شناختن اقامت برای کودکان مبتلا به بیماری آباتی.



- 2- بازنگری پرونده پناهجویان مخفی و به رسمیت شناختن حق پناهنده گی آنها.
- 3- این اجتماع بزرگ پناهجویان مخفی و به رسمیت شناختن حق انسانی پناهنده گان با ترانه ها و موزیک همبستگی، به پایان رسید.

برنامه تلویزیونی کودکان مقدمند

چهارشنبه ها ساعت 8 شب به وقت تهران
تکرار ساعت 12 ظهر به وقت تهران

تلویزیون کانان جدید

تل استار 12 ، قرکانس 12608 مگهاتر
سیمبل ریت 19279، اف ای سی ، 2/3
پلاریزیسیون افقی



مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

سیري در ادبيات كودك «كودك در ادبيات ايران»

ميلاد پرتوی- ايران

عوامل مؤثر در شناخت تواناييهاي كودكان و نوجوانان

در شناخت توانمنديهاي كودكان و نوجوانان در ارتباط با گزينش متون براي گروههاي سني مورد مطالعه روانشناسان، جامعه‌شناسان و مربيان تعليم و تربيت عوامل تعيين كننده‌اي در اختيار افراد مي‌گذارند مانند:

خصوصيات رشد جسمي و رواني

الف. دوره قبل از دبستان: يعني تا شش سالگي اين دوره را سريع‌ترين مرحله رشد جسمي و رواني كودك دريافته‌اند. كودك شديداً كنجكاو است به لفظ و كلمه به سرعت مسلط مي‌شود. ولي توجه و تمرکز کم است. بين تخیل و واقعیت در نوسان است. كتابهاي را دوست دارد كه از محيط گياهان، حيوانات، فضاي زندگي آشنائيش حرف بزند. سخن گفتن حيوانات و گياهان را مي‌پذيرد. خودآموزها و حرف آموزها ضمن دنبال كردن يك داستان، آموزش مفيدي براي اوست.

ب. سالهاي اول دبستان: مشخصه اين سالها اين است كه فكر كودك نظم

منطقي پيدا مي‌كند. طرز فكر بچه ها به سوي بزرگترها كمي نزديك مي‌شود. پايه هاي وجدان منطقي گذاشته مي‌شود. اعتماد به نفس او بيشتري شده کمتر متكي به بزرگترها است. بين كنجكاييها و چراها و تقليد و خيالبافي و داستان پردازي در تردد است. از طنز در حد دركش لذت مي‌برد. لذت خواندن را در مي‌يابد و تجربه مي‌كند. با ياري واژه ها، خواندن داستانهاي كوتاه، مجموعه داستانها يا كتابهاييكه هر فصل آن يك مطلب را در برمي‌گيرد، براي او دلپذير است. از عدم عدالت و نرسيدن حق به حقدار رنج مي‌برد. به هر مطلب خواندني كوشش دارد. اسرار نوشته ها را مي‌خواهد دريابد. با گسترش شناخت و كنجكايي نياز به انواع نوشته ها در اين سنين زياد مي‌شود. بنابراین بیشتر در معرض خطر خواندنيهاي بد قرار مي‌گيرد. داستانها بايد از لطف و گرمای خانوادگي برخوردار باشد. مقدمات فكر انتقادي پيدا مي‌كند. كتابهاي آموزش رياضي تاريخي و جغرافيايي

مي‌تواند سازنده باشد. از گردآوري اشياء لذت مي‌برد، دوست دارد مجموعه‌هايي با عكس و برگ و اشكال بسازد. كتبي در اين زمينه مي‌توان به او داد.

ج. سالهاي ميانه دبستان (هشت و نه سالگي): تمرکز و توجه در اين سنين افزايش مي‌يابد به طوري كه كودك مي‌تواند يك تا دو ساعت به كاري سرگرم شود. در زمينه هاي علم و فن علاقه منديهايي پيدا مي‌كند. بين پسران و دختران تفاوتهايي ايجاد مي‌شود. گروه همسالان به عنوان تعيين كننده سلیقه‌ها و رفتارها نقش مي‌يابند. در اين سنين كودك داستانهاي بلند، كتابهاي تك دستي، ماجراهاي گروههاي مختلف كودكان و كتابهاي علمي و تاريخي را دوست دارد.

د. سالها آخر دبستان (ده، يازده سالگي): دوران بلوغ كودكي است، فرارسيدن دوره عقل و دانايي است، استعداد و در آموزش زبان زياد مي‌شود. استعداد موسيقي از خود نشان مي‌دهد. به كتابهاي هنري علاقه مند مي‌شود. جاي خانه و مدرسه عوض مي‌شود.

مدرسه بالاتر از محيط خانه قرار مي‌گيرد. براي جلب محبت همسالان به هر كاري دست مي‌زند. فزق بين واقعيت و خيال را خوب درك مي‌كند.

افسانه‌هاي تخيلي علمي را مي‌خواند. براي خود قهرمانان خاصي برمي‌گزیند. و تخیل بيشتري در زمينه هاي علمي و فلسفي برايش مطرح مي‌شود ولي در زمينه واقعيات و زندگي اجتماعي كوشش بي‌سابقه‌اي مي‌يابد. به افسانه كم توجه مي‌شود. مگر نکته‌اي خاص در بر داشته باشد. در جزييات خفي شخصيتها دقيق تر مي‌شود. به مباحث علمي و تاريخي كوشانده مي‌گردد. از كتب مرجع مي‌تواند مطلبي را جست و جو نمايد. به دنبال مطلب جديد و يافتن پاسخ به پرسشهايش مي‌باشد. راهنمايي او به سوي ادبيات واقعي و دور كردن او از آثار مبتذل كار دشواري است. او در صورت تحت هدايت نبودن مطالعه اش بهترين مصرف كننده مجلات مبتذل، وسايل ارتباط جمعي بي محتوا مي‌باشد. مي‌بايد از اين حالت او براي گرايش به سوي ادبيات بزرگسالان استفاده نمود.

ادامه دارد

ادامه خانه من كجاست؟ سياهی را از خود رانده بود و در راهی جدا از آنجایی که پدر کنار برادرش ايستاده بود و

شاهين يك جدایی را حس كرد در زندگي و ناپديد شدن آن فضای آرام در روح پدر و مادرش. ديگر کسی نبود كه جانشين دایي محمود بشود و به آنها كمك كند و در نزديكي آنها باشد، حتی عموها كه مهربان بنظر ميرسینند!

برگردیم خانه بقیه نگران هستند. مريم بچه را بردار و مقاوم تر باش. شب دير وقته و هوا روشنه ولی تیرگی می آید؛ خیلی زود، شبهای طولانی؛ سياه، سرد و تنهایی آدمها حتی در لحظه ای كه کنار يارشان هستند.

آهی كه از گلوی زن عمو بيرون آمد حتی سر بی تفاوت مادر را به سوی او برگرداند و خيره به زن عمو نگاه كرد. اينطور بنظرش ميرسيد كه نبايد به او حسرت ببرد و به زندگيش! شايد بايد دل بحال او ميسوخت و به روز های كه در آینده به انتظار آنها بود. به راهی كه بايد طی می كردند و چیزهای كه فقط چشمان يك پناهنده می بيند؛ مشاهده كنند. بايد بدانند كه در پيرامونش همه چیز عوض خواهد شد و تعبيرات حس كند و ببیند. و با يارش دعوا كند؛ دوستی كند. آرزو كند كه دوباره كلید خانه خودشان را در دستنانش بچرخاند و بچرخاند و بخندد و دوباره و دوباره... ادامه دارد

ممنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب به كودكان

بهداشت و رفاه برای کودکان در سوئد رویائی شیرین یا واقعیتی شدنی؟

ویدا بهروز

قسمت پایانی:

برنامه مرکز بهداشت کودکان:

همیشه بدنیا آمدن نوزاد، از طرف بخش زایمان به مرکز بهداشت اطلاع داده می شود و بدنبال پرستار کودک با خانواده نوزاد تماس میگردد و برای ملاقات اول که در خانه صورت میگیرد وقت تعیین می کند.

دیدار در خانه:

دیدار در خانه معمولاً یک تا دو هفته بعد از بدنیا آمدن کودک صورت می گیرد. این دیدارها شکل مهمی از رابطه موسسه های مربوط به امور کودکان با خانواده های است که دارای نوزاد شده اند. این نه تنها باعث ایجاد یک رابطه نزدیک با خانواده ها می گردد، بلکه همچنین به پرستار کمک میکند تا اطلاعات زیادی در مورد ارتباط بین پدر و مادر و والدین و کودک دریافت کند. از این رو بطور موثرتری میتواند به بهداشت و رشد کودک یاری رساند.

نکاتی که پرستار کودک با والدین در دیدار اول مطرح می کند:

* دوره حاملگی، زایمان و بعد از زایمان
* احساس پدر و مادر

شدن

* غذای مادر

* اطلاعات در مورد

شیر مادر و شیر خشک

* خطرات سیگار و الکل

* اطلاعات راجع به

پیشگیری از خطراتی که

در محیط خانه وجود

دارد

* معاینه عمومی از

کودک مثلاً رنگ پوست

، ناف.....

ملاقات در مرکز

بهداشت:

گرفتن وزن، اندازه قد و

سر کودک با فاصله های

نزدیک از طرف پرستار

انجام میگردد و همچنین

به سوالات پزشکی

مادران و پدران جواب

داده میشود. از طریق

کنترل وزن و قد کودک

میتوان به سلامتی جسمی

و روحی کودک پی برد.

حساسیتهای غذائی و

پرورش کودک در

محیطی ناسالم و دلایل

دیگر در نمودارهای

وزنی و قدی کودک

مشخص میشود. این

ملاقاتها همچنین به

پرستار کودک کمک می

کند که به فقدان نزدیکی

بین مادر و کودک پی

بردد و همچنین پیشرفت

فکری و اجتماعی کودک

را پیوسته زیر نظر داشته

باشد. دلیل اندازه گرفتن

سر کودک کشف رشد

سریع یا کند سر می باشد.

از آنجایی که جمع شدن

آب در سر و رشد سریع

خطهای بین استخوان سر

متداول بوده (این خطها

می باید تا سن ۱۸ ماهگی

باز باشند) و عدم معالجه

آن باعث مرگ و یا

اختلالهای عصبی می

شود، از این نظر هم این

اندازه گیری بسیار مهم

است.

مشاوره تلفنی:

یکی دیگر از امکاناتی که

در اختیار والدین قرار

داده میشود، امکان

مشاوره روزانه از طریق

تلفن است. سوالاتی مانند

چگونگی رسیدگی به

کودکی که دچار

سرماخوردگی، اسهال

و... تب شده است و یا

مواردی در زمینه تغذیه

کودک معمولاً از طریق

والدین در این گونه

تماسها مطرح میشود و

پاسخ میگردد.

کلاسهای آموزشی

والدین: کلاسهای

آموزشی حددا ۳-۶ هفته

بعد از تولد کودک آغاز

میشود. تصمیم ایجاد

چنین کلاسهای، پس از

تصویب مجلس سوئد، در

سال ۱۸۷۹ صورت

گرفته است. این کلاسها

معمولاً از ۶-۸ نفر

تشکیل میشود و پدران و

مادران می توانند همراه

کودکان خود در این

کلاسها شرکت کنند.

هدف کلاسهای آموزشی

والدین:

* آگاهی دادن در زمینه

بهداشت و رشد کودکان

* ایجاد رابطه بین والدین

و تبادل نظر بین آنها

* آگاه کردن والدین از

امکاناتی که در جامعه

برای کودکان وجود دارد

* آگاه کردن والدین از

خطراتی که برای کودک

وجود دارد و راه مقابله با

آنها از سن ۱ ماهگی

ویتامین A, D, به همه

کودکان در سوئد داده

میشود و این تا سن ۲

سالگی بطور مجانی در

اختیار خانواده ها گذاشته

میشود.

(ویتامین A برای بینایی

و ویتامین D جهت

پیشگیری نرمی استخوان

است)

معاینه پزشکی: معاینه

پزشکی در سنهای ۲، ۶

و ۱۰ یا ۱۲ ماهگی

صورت می گیرد. هدف

از این کار کشف و

جلوگیری از بیماریها و

کنترل رشد جسمی و

فکری کودک می باشد.

مطالعه پزشکی کودکان

از معاینه چشم، شکم،

شش، قلب، مفاصل و تا

تکامل فکری و اجتماعی

کودک مانند لیخند زدن،

کنجکاوی، صحبت

کردن در بر
میگیرد. واکسینه کردن
کودکان بر اساس برنامه
خاصی و از طرف
پرستار انجام می گیرد.
اطلاعات در مورد
واکسینها و اثرات فرعی

(منفی) از قبل برای
والدین تشریح داده
میشود. در سن ۸ ماهگی
تستی به نام BOEL در
بسیاری از مراکز
بهداشتی صورت می

گیرد. بینائی و شنوائی
کودک از طریق این تست
کنترل میشود و همچنین
در مورد خطراتی که در
این رابطه کودک را در
محیط خانه و بیرون

تهدید میکند، با والدین
صحبت میشود. ارتباط
والدین با مرکز بهداشت
در سال اول با فاصله
نزدیک به هم می باشد.
لزوم این تماس بعد از

یک سالگی کاهش می
یابد. البته پدر و مادرها
میتوانند در مواقع لازم با
مرکز بهداشت تماس
بگیرند. در سن ۱۸
ماهگی تلفیح واکسن و

کنترل از رشد عمومی
مثلاً فهمیدن، حرف زدن،
راه رفتن و.... انجام می
گیرد. کنترل بعدی در
سن ۳ سالگی صورت
می گیرد که تکامل زبانی

کودک یکی از اصلی
ترین آنها است. از طریق
مثلاً لگد زدن به توپ،
نقاشی
کردن.... اطلاعاتی در
مورد پیشرفت کودک
اطلاعات با ارزشی
بدست میاید. در سن ۴
ادامه در صفحه ۶

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان

ادامه بهداشت و رفاه برای کودکان . . .
سالگی علاوه بر ادامه آزمایشهای قبلی، شنوایی و بینایی کودک کنترل می شود. کودکانی که نتوانند به طور کامل این آزمایشها را انجام دهند، دوباره به مرکز بهداشت فرا خوانده و یا برای معاینه نزد پزشک متخصص فرستاده می شوند. آخرین ملاقات با پرستار کودک در سن ۵ سالگی صورت می گیرد که تکامل بینایی، وزن و قد کودک آزمایش شده و تلقیح واکسن صورت میگیرد و به سوالات والدین که مربوط به سلامتی و پیشرفت کودک است جواب می دهند. ادامه کنترل و واکسینه کردن بچه ها از طریق پرستار مدرسه صورت می گیرد.

EPDS:

یک متد جدیدی جهت شناسایی افسردگیهای مادران پس از زایمان است که در بسیاری از مراکز بهداشتی بکار گرفته میشود. هدف از استفاده این روش شناختن مادرانی است که بعد از زایمان دچار افسردگی می گردند. EPDS ۲-۳ ماه بعد از زایمان انجام می گیرد و پرستار از طریق ۱۰ سوال که دارای ۴ جواب انتخابی است به وضعیت روحی مادر پی می برد. مادرانی که دچار افسردگی هستند، می توانند پرستار کودک را ۵ دفعه بدون حضور نوزاد ملاقات کنند و در مورد وضعیت روحی خود صحبت کنند. در مواردی که مادران نیاز به کمک روانشناس دارند با روانشناس مربوط تماس گرفته میشود. پرستارانی که از این روش استفاده می کنند، آموزش مخصوص برخوردار به مادران افسرده را آموخته اند. مهد کودکهای ویژه نوزادان:

در بعضی از مناطق مهدکودکهای وجود دارد که پدر و مادرها همراه نوزادان و کودکان خود می توانند از امکانات آن استفاده کنند. این مهدکودکها معمولاً برای کودکان زیر ۱ سال تشکیل ایجاد شده اند. (خدمات مهدکودکهای معمولی برای کودکان از سن یک سالگی به بعد است). این مهدکودکها محلی است که والدین با هم آشنا میشوند و از امکانات مربوط به ساختن کار دستی، بازی کردن و شعر خواندن برخوردارند. در آخر با امید رفاه، بهداشت و یک جامعه سالم برای همه کودکان جهان ترجمه شعری از دوروتی لاو-هولته را ضمیمه می کنم:

کودکی که پیوسته سرزنش شود

محکوم کردن می آموزد

کودکی که تنبیه را تجربه کند

ستیزه می آموزد

کودکی که مسخره شود

کمرئی می آموزد

کودکی که همواره شرم را تجربه کند

احساس گنجهاری می آموزد

کودکی که تشویق شود

اعتماد به خود می آموزد

کودکی که با بردباری پرورش یابد

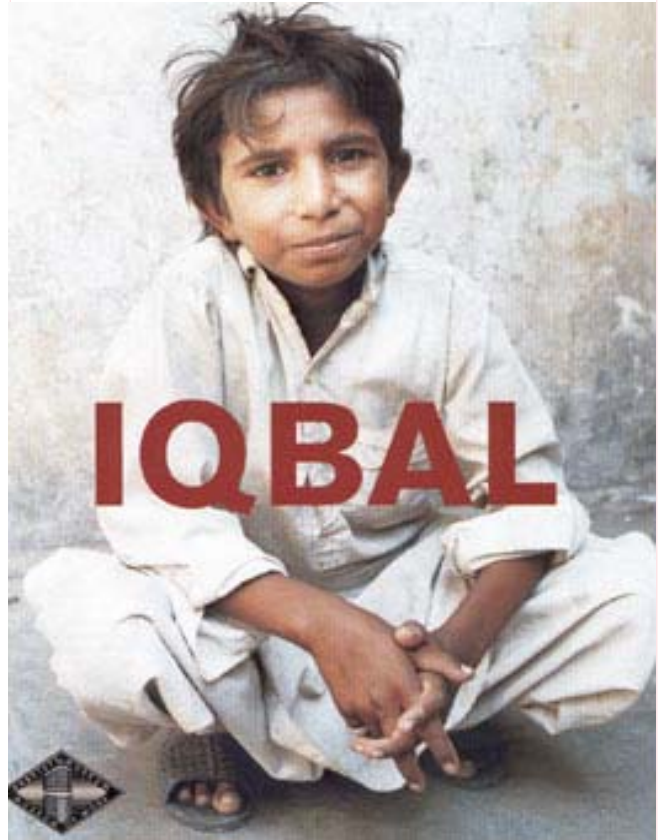
شکیبایی می آموزد

کودکی که ستوده شود

احترام به خود می آموزد

ادامه ده سال از ...

رهبران یک جنبش عظیم انسانی برای لغو کار کودکان، در پاکستان و جهان. جهانی که بیرحمانه کودکانه خویش را این آینده سازان کوچولو را به کار می کشد. بر طبق آمار رسمی هم اکنون بیش از 250 میلیون کودک در جهان مشغول به کار هستند. کودکانی که می بایست در مدارس، پارکها و تفریح گاهها، صدای خنده و قهقهه اشان نوید آینده ای بهتر برای جهان باشد. بر اساس آمار رسمی جمهوری اسلامی در ایران، بیش از 700 هزار کودک مشغول به کار هستند.



شهرداری تهران با وقاحت تمام اعلام می کنند که هزاران کودک 13-14 سالها در قسمتهای مختلف شهرداری مشغول به کار هستند. این هیولهای ضد کودک، با افتخار اعلام می کنند که خوشحالند که توانسته اند برای این کودکان کار تهیه کنند. باید گفت این شرمندگان تاریخ، ای ابلهان سیاه قلب، به جای بیل و کلنگ به دست این کودکان مدام و کاغذ و کتاب، باید داد.

هر ساله هزاران تن از این کارگران کوچک، این کودکان کار، کودکان رنج، در سانحه ها محیط کار، قربانی مطامع سود خواهی نظام سرمایه داری می شوند. صفحه حوادث روزنامه داخل ایران، روزانه تعدادی از این سوانح دلخراش را انعکاس می هد. در هیچ کجای دنیا نباید کودکان به کار گمرده شوند. می توان و باید جهانی بدور از رنج و درد برای کودکانمان فراهم آوریم. با گرامیداشت یاد اقبال مسیح که چنین دنیایی آرزویش بود، برای محقق کردن این آرزو با وی پیمانی دوباره می بندیم.

ممنوعیت فوری حجاب برای کودکان